

احمدضیا سپهر صدیقی:

" به مناسبت چهلمین سال شهادت استاد میراکبر خیبر "

( ۲۸ حمل ۱۳۵۷ - ۲۸ حمل ۱۳۹۷ )



درودهای آتشین و سوگ اندود خود را به پیشگاه نام خیبر شهید، این رزمنده سرافراز جنبش دموکراتیک جامعه افغانی، و دیگر جانباخته گان جنبش که با سربلندی برای رهایی انسان مظلوم کشور از چنبره استبداد، ارتجاع، انواع ستم و استثمار رزمیدند تقدیم میداریم.

چهل سال از ترور خونین میراکبر خیبر، این جانباخته سرافراز جنبش چپ می گذرد، " اما با گذشت هر روز سیمای آن بزرگ مرد پیکارجو، بر برگهای تیره تاریخ معاصر کشور روشنایی می بخشد. بدون تردید رهروان راه این جانباخته جنبش دموکراتیک چپ جامعه افغانی، از این روشنایی پاس میدارند، و در راه آرمانهای انسانی تحقق نیافته آن به همان، جهان بینی فرهیخته که داشت به نبرد حق بر باطل به پیش میروند. و تا آنگاه که سپیده دمان آزادی و داد برکشور دامن بگستراند در این سنگر خواهند ماند."

جنبش چپ دموکراتیک جامعه افغانی، در تمام لایه های ترکیبش، از کارنامه های قهرمانانه ای انباشته است. زنده نگه داشتن آنها جزیی از مبارزه داد خواهانه ماست که امروز علیه ارتجاع، ستم، بیداد و نابرابری ادامه میدهیم.

یاد بود از پیکار رفته گان جنبش و بهره مند شدن از آموزه های آنها نمی شود به تنها تجلیل خلاصه شود، باید درفش گلگون آرمانهای انسانی و ترقیخواهانه تحقق نیافته ی آنها را بدست گرفت، متشکل شد و برای تحقق آنها تجدید سوگند نمود و به مبارزه بی هراس، اشکار، اصولی، سازنده و با ثمر ادامه داد.

خیبر شهید، اولین رهبر با شهامت جنبش چپ دموکراتیک و مترقی جامعه افغانی بود، که سکوت را شکست و با خون خود نوشت که " راه همان است که من رفتم."

خیبر، از پرچمداران و مؤسسان طراز اول حزب دموکراتیک خلق افغانستان بود، اما والامنش و تیزهوش نسبت به تمام رهبران آن حزب، به قول معروف، او " با مغز سرد و قلب گرم " رزمید .

وی در گستره پرگزند جنبش ترقی خواهی و عدالت طلبی، بدون گفتگو از آگاه ترین های جامعه افغانی بود. او پژوهنده بود سخت گوش و رزمنده رزم آشنا که چیره دستی اش در پنهانکاری و سازماندهی، بی بدیل بود.

خیبر استوره ی بی آرایش شکنجه گاه، و قهرمان پایداری در زندان سلطنت استبدادی خانواده نادرشاه بود، او در همین دوران به مرز آگاهی و شناخت رسید.

براساس روایت های هم زنجیرانش، او بود که در سلول های زندان استبداد، سیال بودن اندیشه را آموخت و در خم و پیچ های زنده گی فقیرانه و پر از عذاب و رنج، "نی گفتن" را تجربه کرد.

به گفته بارق شفیع، "فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم"، این بود مصراعی که او را به سوی آینده ناشناخته ولی آراسته از بند و استبداد رهنمون می شد.

برای خیبر شهید، جامعه عرصه اساسی زیست، تفکر و پراتیک او گردید. او هم "سیال بودن" و هم "سخت جانی" جامعه عقب نگهداشته شده افغانی را در میان مردم، در نهادهای آموزشی، در سرباز خانه ها، در زندان، در خانواده، در قبیله، در شهر و ده و در وضعیت آزادی و زندانی تجربه کرد.

با آنکه خیبر شهید، مسؤل سازمان مخفی نظامی حزبش، در درون نظام حاکم بود، و باید هویت انفرادیش مخفی می ماند، اما چون ستاره تابناک در بین انقلابیون داخل نظام می درخشید و بی ترس از ترور و شکنجه در درون نظام اختناق و ترور سلطنتی، دلیرانه می رزمید و مبارزان جوان نظامی را درس وطنپرستی، انسان دوستی و خرد باوری میداد و برای ایجاد تشکل سازمان مخفی نظامی - سیاسی در قوای مسلح تلاش میکرد، او در تربیت و جذب افسران اردو به "سازمان نظامی حزب دموکراتیک خلق افغانستان"، سهم به سزایی داشت، او بود که آگاهی انقلابی و بینش پیشرو عصر ما را در درون صفوف افسران برد، آنها را با سلاحی جهانی علمی در نبرد حق بر باطل تجهیز نمود، صدها رزمنده نظامی را که در عقیده و ایمان مستحکم، قاطع و برهان بودند به صفوف جنبش عدالت طلبی و ترقی خواهی سوق داد.

تا جایی که من افتخار نشستن در پای سخنان او را داشتم، انسانی بود خوش مشرب، رفیق دوست، پاک طینت، با تقوا و بی نهایت فروتن، در دل همه مبارزان راستین آن زمان، بویژه جوانان و محصلان ملکی و نظامی جا داشت، همه هم فکران او آرزومندی همنشینی و مصاحبت با او را داشتند و با هم رقابت میکردند تا افتخار شاگردی وی را حاصل بدارند.

او با گرایش های چپ افراطی و اقدام های نا به هنگام و خام نظامی موافق نبود، معامله با نظام حاکم را مردود می شمرد، و هیچگاهی از مواضع اصولی و انقلابی عقب نرفت و علی الرغم فشارهای عدیده یی که از سوی نظام حاکم و هم از سوی حلقات "درون حزبی"، بر او وارد میشد تا پای جان در سنگر اصولیت انقلابی و حفظ استقلالیت جنبش با استواری باقی ماند. ما شاهد آن بودیم که هم دستگاه حاکمه و هم حلقات خودخواه و انحصارگر قدرت در رهبری حزب، از او هراسی ویژه داشتند، چون او با وجاهت بزرگ سیاسی - اجتماعی که داشت، به حیث یک رهبر سیاسی بیدار و با تدبیر و یک نظامی آگاه و متعهد میتوانست ستم گشان و آزادی خواهان را در برابر نظام حاکم بسیج نماید و جایگاه شایسته و بایسته را در رهبری جنبش ملی و دموکراتیک جامعه افغانی احراز نماید.

رفیق شهید، اکبر خیبر، کوتا زیست، اما سرفراز و انقلابی زیست، آن فرزند فرهیخته زحمتکشان افغانستان، که تار و پود وجودش از عشق به وطن و محبت به انسان مظلوم تنیده شده بود، طی سالهای اخیر و پر از فراز و نشیب و مملو از پیروزیهای مقطعی و شکستهای عمیق، در میان ما نبود و نیست. ولی خاطرات زنده اش نزد همه رهروان او و هر آنکه حتی یک بار با او آشنایی حاصل کرده جاویدان و آموزنده مانده است.